

بررسی تطبیقی رویکردهای توسعه‌گرایانه هند و چین*

گوران عرفانی

پژوهشگر دکتری معماری، برنامه‌ریزی و منظر، دانشگاه نیوکاسل، انگلستان
g.erfani@ncl.ac.uk

چکیده

در برداشت نخست، جامعهٔ چینی بسیار پیشرفته‌تر از جامعهٔ هندی به نظر می‌رسد. چنین برداشتی ممکن است به کمک چندین شاخص اقتصادی در کنار سرعت بالای توسعهٔ شهری چین نسبت به هند صحیح باشد. این نوشتار تلاش می‌کند با نگاهی ژرف‌اندیشانه صحت مسئله را کندوکاو نماید. هدف از این تحقیق، بیان دلایل کیفی و کمی است که موجب می‌شود پرجمعیت‌ترین کشور جهان با وجود برخورداری از رشد شتابان اقتصادی و نظامی در مقایسه با جامعهٔ هندی، جامعه‌ای به مراتب ناپایدارتر محسوب شود. به نظر می‌رسد در آینده‌ای نه چندان دور، با ادامهٔ روند کنونی شاهد افول و حتی ازهم‌گسستگی جامعهٔ به ظاهر مقتدر چین و در مقابل، با ظهور قدرت جدیدی به نام هند روبرو خواهیم شد. بررسی و ریشه‌یابی دلایل می‌تواند مبنای مناسبی جهت برنامه‌ریزی‌های استراتژیک و کلان در طولانی‌مدت برای سایر کشورهای جهان به ویژه کشورمان ایران باشد. رویکرد توسعه‌گرایانه جامعهٔ هندی با وجود سرعت پایین، همه‌جانبه و متوازن است. در چنین رویکردی این جامعه به دنبال ارتقای سطح کیفیت زندگی بطن جامعه از منظر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است؛ ضمن اینکه سایر ابعاد توسعهٔ پایدار همچون توسعهٔ سیاسی و محیط‌زیستی نیز نادیده گرفته نشده است. جامعهٔ هندی به دنبال کاستن از قشر بسیار فقیر جامعه و تبدیل آن به قشری متوسط اما در مقیاس بالاست. در مقابل، رویکرد توسعهٔ چینی به دنبال توسعهٔ شتابان و تبلیغاتی است؛ به گونه‌ای که بسیاری از واقعیات زندگی میلیون‌ها چینی در پس و پزیرینی از توسعهٔ ظاهری و سطحی مخفی شده است. اتخاذ چنین رویکرد ناهمگونی در مسیر توسعه، در کنار ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و سیاسی چین معاصر، زمینه‌های لازم برای افول ابرقدرت اقتصادی دنیای امروز را در آینده فراهم آورده است.

واژگان کلیدی

رویکردهای توسعه‌گرایانه، توسعهٔ هندی، توسعهٔ چینی، توسعهٔ پایدار.

مقدمه

«گالبرایت» معتقد است باید توجه داشت اصول برنامه‌ریزی و چگونگی اجرای برنامه‌ها به صورت قطع و یقین منطبق بر شرایط ویژه هر کشور و هماهنگ با مرحله رشد اقتصادی آن باشد (جیروند، ۱۳۷۳). در این میان دو غول آسیایی، هند و چین^۱ پس از خواب زمستانی طولانی و سپری کردن دوران استعمار، در حال حاضر به دنبال بازیابی شکوه تمدن تاریخی خود هستند. این دو کشور، تنها سرزمین‌هایی هستند که بیش از یک میلیارد نفر جمعیت دارند. هر دو در یک قاره و در مجاورت یکدیگر قرار دارند، به طوری که درعین برخورداری از تفاوت‌های بسیار، از زمینه‌ها و پیوندهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مشترکی نیز برخوردار هستند. از آنجایی که بیش از یک سوم جمعیت جهان در این دو کشور زندگی می‌کنند، الگوها و مدل‌های صحیح توسعه این دو کشور ضمن اینکه الگوی مناسبی برای سایر ملل به‌ویژه کشورمان ایران هستند، می‌توانند در عرصه توسعه پایدار جهانی نیز نقش بزرگی ایفا کنند.

امروزه، توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای نیازمند برنامه‌ریزی هدفمند و تدوین استراتژی‌های توسعه‌گرایانه در تمامی ابعاد توسعه است. در این میان دستیابی به توسعه پایدار نیازمند انجام فرآیند عمقی در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی محیط‌زیستی است. «هابرماس» توسعه را فرایندی درهم‌تنیده و دارای ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند که به معنای فراهم‌شدن زمینه‌های لازم برای پیدایش ظرفیت‌ها و قابلیت‌های عناصر مختلف در اجتماع و میدان یافتن آنها برای دستیابی به پیشرفت و افزایش توانایی‌های کمی و کیفی در بطن جامعه و حکومت است.

از طرف دیگر، رویکردها و الگوهای توسعه در هر کشوری تنها با نگاه همه‌جانبه در تمامی ابعاد توسعه تضمین نمی‌شود؛ بلکه توجه به ویژگی‌ها و شرایط مکانی و بومی آن کشور در تدوین رویکردها و مدل توسعه آن کشور نقشی حیاتی دارد. توجه به شرایط اقلیمی و توانمندی‌های بالقوه هر کشور از چنان اهمیتی برخوردار است که

فرضیه

در آینده‌ای نه چندان دور، با ادامه روند کنونی جهان، شاهد افول و حتی ازهم پاشیدن جامعه به ظاهر مقتدر و برخوردار از رشد شتابان اقتصادی چین بوده و در مقابل با ظهور قدرت جدیدی به نام هند در مقیاس جهانی مواجه خواهیم شد.

مقایسه تطبیقی رویکردها و زمینه‌های توسعه‌گرایانه جامعه هندی و چینی

روش تحقیق این نوشتار، بر مبنای استدلال قیاسی است؛ ضمن مقایسه رویکردهای توسعه‌گرایانه هند و چین به بیان زمینه‌های تأثیرگذار بر این رویکردها نیز پرداخته می‌شود. مجموع مقایسه‌های تطبیقی و زمینه‌های مؤثر بر این رویکردها در قالب دلایل ۹ گانه در حوزه‌های برنامه‌ریزی کلان اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و توسعه شهری دسته‌بندی شده‌اند:

۱. توسعه همه‌جانبه با سرعت پایین (لاک‌پشت هندی) در برابر توسعه تک‌بعدی با سرعت بالا (خرگوش چینی)

مدل توسعه هندی همه‌جانبه و مداوم است. در این مدل، برخلاف مدل چینی، توسعه تنها در ابعاد اقتصادی و نظامی دنبال نشده است. توسعه متوازن در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با سرعت پایین‌تری نسبت به مدل توسعه چینی دنبال شده است. سرعت و گستره نفوذ تحولات اقتصادی،

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در منظر معاصر شهرهای امروز هند در کنار شاخص‌های توسعه این حقیقت را روشن می‌سازد که مدل توسعه هندی با وجود برخورداری از سرعت پایین‌تر نسبت به جامعه چینی، از عمق و گستردگی ابعادی بیشتری برخوردار است (وردی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰؛ Bahl, 2012). در مقابل، مدل توسعه چینی (سیف، ۱۳۹۰) را می‌توان دنباله‌رو مدل غربی نامید؛ که به دنبال افزایش سرعت توسعه و کپی کردن مدل‌های توسعه غربی است.

در چندین مطالعه موردی (Romer, 2010; Keupp et al., 2009) چین به‌عنوان جامعه‌ای در حال توسعه معرفی می‌شود که به دنبال کپی کردن تکنولوژی‌های جدید از جوامع توسعه‌یافته است. با وجود تمرکز این مطالعات بر حوزه قوانین و مقررات مالکیت فکری^۲ چگونگی فروش تکنولوژی‌های قدیمی‌تر به کشورهای جهان سوم و جایگزینی آنها با تکنولوژی‌های جدیدتر در مدل توسعه چینی نیز بیان می‌شود.

رویکردهای توسعه‌گرایانه در کشور هندوستان هرگز با این سرعت دستخوش تغییرات تکنولوژیک نیست. سیاست‌ها و رویکردهای توسعه‌گرایانه هند بیشتر جهت مقابله با تکنولوژی‌های وارداتی و به‌دنبال بومی‌کردن آنهاست. به بیان دیگر، مدل هندی در مقایسه با مدل چینی علی‌رغم زمان‌بر بودن آن، مطمئن‌تر و عمقی‌تر است. نویسنده هندی، «باهل رغو» در کتابش با مقایسه رقابت بین این دو همسایه قدرتمند، نتیجه می‌گیرد که در پاسخ اولیه به

سیاسی در ساختار سیاسی چین با این کشورها وجود دارد (Dickson, 2008).

در مقابل، ساختار حکومت هند بر مبنای نظامی غیر متمرکز، انتخابی و با محوریت قانون تعریف شده است. قانون‌گذاری و نظارت بر نحوه انجام قانون بر عهده پارلمان کشور^۵ است. تصمیم‌گیرنده اصلی در مسایل مهم پارلمان به‌عنوان نماینده اصلی قانون است، نه دولت. به‌عنوان مثال تأسیس ایالت جدید یا تغییر مرزهای ایالات از اختیارات پارلمان است. در نتیجه بروز هرگونه بحران، میزان تنش در اداره کشور حداقل خواهد بود (Mukherjee, 2010). چون ساختار حکمرانی غیر متمرکز، قانون محور و تکتگرایی آن برآمده از بطن جامعه هندی است.

۴. ثبات رویکردهای فرهنگی هند در برابر تضاد رویکردهای فرهنگی چین

نگاهی به تاریخ معاصر هند به ویژه در دوران پس از استقلال هند (۱۹۴۷م.) حکایت از رویکردها و سیاست‌های فرهنگی نسبتاً یکسان دولت‌مردان هندی دارد. تسامح فرهنگی - مذهبی و تبلیغ همزیستی جمعی همه گروه‌های اجتماعی نه تنها در سیاست‌های رسمی کشور، بلکه در رفتار و عملکرد نخبگان سیاسی این کشور نیز کاملاً هویداست. «رامین جهاننگلو» در کتاب «روح هند» به کندوکاو در زمینه روشنفکران و شخصیت‌های مؤثر بر تاریخ معاصر هند می‌پردازد. او در این کتاب بیان می‌کند همه این شخصیت‌ها، در پی ایجاد زمینه‌ای همگرا بودند که اتحاد در تنوع و تکتگر بتواند در آن تحقق یابد (جهاننگلو، ۱۳۸۹). در این جامعه تفاوت زیادی بین تبلیغ یا ضدیت با ویژگی‌های فرهنگی دوران معاصر آن دیده نمی‌شود.

اما برخلاف تاریخ معاصر هند، در جامعه امروز چین، فرهنگی که در حال حاضر برای آن تبلیغ می‌شود، در دوره‌های نه چندان دور تاریخ معاصر کاملاً نفی شده است. به بیان دیگر، یک نوع دوگانگی در برخورد با ویژگی‌های فرهنگی جامعه چین به چشم می‌خورد. باید گفت اگر سمبل‌های مکاتب کنفوسیوس و تائوئیسم در منظر شهرهای امروز چین حضور فعالی دارند، در ۳۰ سال پیش از این، نماد عقب‌ماندگی جامعه چین بوده و با آنها به شدت مبارزه شده است. با وجود اینکه در دو دهه اخیر، رویکردهای فرهنگی در جامعه چین دستخوش تغییرات اساسی شده و دیگر مبارزه آشکارا با فرهنگ و دین‌ستیزی دیده نمی‌شود، اما سیاست‌های امروز، حکایت از رویکردی ابزارگرایانه به مظاهر فرهنگی دارد. درحقیقت فرهنگ و مذهب جامعه در راستای بهره‌برداری سیاسی و استفاده ابزاری از آن توسط دولت کنترل و هدایت می‌شود. این تضادها و تقابل‌ها مانعی اساسی بر سر راه توسعه فرهنگی چین محسوب می‌شوند که هنوز از حافظه تاریخی جامعه چین پاک نشده است و فرآیند توسعه فرهنگی را امری زمان‌بر می‌کند.^۶

نظر می‌رسد، چین این رقابت را از هند می‌برد اما در ادامه به این به مسئله با تردید می‌نگرد و اشاره می‌کند بنابر دلایل تاریخی، برنده این رقابت کسی نیست که اکنون تندتر رشد نموده یا بیشتر سرمایه‌گذاری کرده است، بلکه کسی است که در خلاقیت، برتر و در فهم شرایط پیشگام است (Bahl, 2012).

۲. رویکرد فرصت‌نگرانه به تضادهای فرهنگی جامعه هندی در مقابل رویکرد یکسان‌سازی جامعه چینی

رویکردهای توسعه‌گرایانه معاصر جامعه هندی نسبت به تضاد آشکار امروز هند، فرصت‌گرایانه است. به طوری که در برخورد با تضادهای موجود در جامعه هندی بیش از آن که با تهدید نگریسته شود، به‌عنوان یک ظرفیت و فرصت به شمار می‌روند. امروزه از هند به‌عنوان یکی از کشورهای موفق جهان در عرصه توسعه اجتماعی و سیاسی یاد می‌شود؛ به ویژه در بُعد سیاسی که هند بزرگترین دموکراسی جهان خوانده می‌شود (Gill, 1998; Guha, 2007).

این واقعیت از آنجا سرچشمه می‌گیرد که هند با وجود برخورداری از ترکیب جمعیتی متفاوت، تنوع عقاید، تکتگر آداب و سنن و وسعت جغرافیایی که در جهان کم‌نظیر است به لحاظ توسعه نظام سیاسی از چنان مطلوبیتی برخوردار است که همه آن ترکیب‌ها، انواع و تکتگرهای جامعه، در ساختار و سیاست آن کشور بازتاب یافته است. در مقابل، رویکردهای توسعه‌گرایانه چین در برخورد با تضادهای موجود در جامعه چین، رویکردی حذفی و به دنبال یکسان‌سازی تفاوت‌هاست (Dickson, 2008). در این نوع نگاه، تضادها و تنوع فرهنگی جامعه چین به‌عنوان تهدیدی در برابر اهداف سیاست‌های کلان کشور تعبیر می‌شوند (نک. به Hasmath, 2008; Bouye, 2003; Ball et al., 2007).

۳. ناپایداری سیاسی : قانون‌محوری جامعه هندی در برابر حزب‌محوری جامعه چینی

در چین محور ساختار حکومت را حزب کمونیست^۳ شکل می‌دهد. رویکردها و سیاست‌های استراتژیک کشور در مقیاس کلان و حتی در موارد بی‌شماری در مقیاس خرد هم، تنها پس از عبور از فیلتر حزب قابلیت اجرایی می‌یابد. حزب بر بسیاری از جنبه‌های زندگی مردم از جمله مواد درسی مدارس، برنامه‌های تلویزیون، مسکن، اشتغال و حتی تعداد فرزندان نظارت و نفوذ دارد (Shi, 2000; Nelasco, 2012). با وجود چنین ساختار هرمی شکلی که همه امور در آن از بالادست کنترل و هدایت می‌شود، در صورت بروز هرگونه لرزش و بحران در آن، این تزلزل به کل کشور سرایت خواهد کرد. «مارتین کینگ وایت»^۴ با بررسی ارتباط مؤسسات سیاسی و توسعه اقتصادی، چهارگونه تضاد را در سیاست‌های حکومت مرکزی چین مشخص می‌کند. تغییرات سیاسی در چین برخلاف کره جنوبی و تایوان، همگام با توسعه دموکراسی نیست. علایم بسیار کمی از مشابَهت تغییرات

۵. تنش با همسایگان و نیروهای خارجی

مسئله تحریکات و دخالت نیروهای خارجی در چین نسبت به هندوستان به مراتب از عمق و گستره بیشتری برخوردار است. کشورهای غربی (آمریکا و اروپا) در کنار کشورهای همسایه چین همچون ژاپن و کره جنوبی، تنش‌های اجتماعی جامعه چینی را مدیریت و حتی تشدید می‌کنند (Astarita, 2007; Brown, 2010). طی تحقیقی که «جاناتان فنی»^۷ بین سال‌های ۲۰۱۰ م. تا ۲۰۱۲ م. انجام داد به بررسی دلایل بیش از ۱۲ مورد تنش سیاسی میان چین و کشورهای جنوب غرب آسیا می‌پردازد. او وقوع این حوادث را با سیاست‌های مهار منطقه‌ای آمریکا مرتبط می‌داند (Fenby, 2012). این مسئله در ارتباط با هند تنها در خصوص همسایه غربی آن یعنی پاکستان صادق است (نک. به Mcleod, 2008). از سوی دیگر، با توجه به اینکه پاکستان نیز از معضلات داخلی بسیاری رنج می‌برد، بنابراین به تنهایی توان نفوذ و یا حتی دخالت چندانی در جامعه رو به رشد هند را ندارد.

۶. ناپایداری‌های قومی - مذهبی

در دوران معاصر چین، همواره ایالت‌هایی همچون «تبت»^۸، «سین کیانگ»^۹ و جزیره «تایوان» از مشکلات و تعارض‌های مذهبی - قومی با حکومت مرکزی رنج برده‌اند. شدت و عمق سرکوب این اعتراضات از سوی دولت مرکزی به حدی بوده است که با وجود تغییر سیاست‌ها در نحوه سرکوب مخالفان، تأثیرات آن همچنان در ذهن و بطن جامعه جاری است. وقوع چنین حوادثی به ناپایداری‌های مذهبی - قومی در این کشور دامن زده است. ریشه بسیاری از ناپایداری‌های قومی - مذهبی را باید در تبعیض اقتصادی دولت مرکزی نسبت به این مناطق (به‌ویژه غرب و جنوب غرب چین) جستجو کرد. «جیانگ و ادموند» در مقاله‌ای تحت عنوان «انقلاب آغاز شده است» با ارائه آمار رسمی به مقایسه تفاوت چشم‌گیر درآمد سالیانه شهروندان ساکن شرق چین با سایر استان‌های کشور می‌پردازند. نابرابری‌های اقتصادی، توزیع نامتناسب سرمایه و زیرساخت‌های شهری، عوامل اصلی ناپایداری سیاسی در چین است (Jiang & Edmund, 2002).

هرچند هند نیز از چنین معضلاتی رنج می‌برد، اما شواهد و اسناد تاریخی حکایت از آن دارد که این کشور از شدت و عمق ناپایداری‌های قومی و مذهبی کمتری برخوردار است. به‌ویژه اینکه در جامعه امروز هند، مخالفان گروه‌های مذهبی و قومی به راحتی و آزادانه می‌توانند به بیان عقاید خود بپردازند؛ امری که در چین امروز هرگز امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این، به دلیل تجربه ناموفق جدایی پاکستان از هند، انگیزه‌های جداسازی از حکومت مرکزی به شدت کاهش یافته است.

۷. چشم‌انداز میانگین سنی جمعیت هند و چین

با وجود اینکه کشور چین از بیشترین جمعیت انسانی برخوردار

است، اما میانگین سنی آن در ۳۰ سال آینده، این کشور را در زمره پیرترین جمعیت‌های دنیا قرار خواهد داد. همین مسئله می‌تواند معضل بزرگی بر سر راه توسعه چین در آینده به حساب آید. پیش‌بینی‌های آماری تهیه‌شده توسط «یوروماتیور» در سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد میانگین سنی جمعیت از ۳۴ سال در ۲۰۰۵ م. به ۴۰ سال در ۲۰۲۰ م. و بیش از ۴۵ سال در ۲۰۵۰ م. افزایش خواهد یافت. همزمان با رشد میانگین سنی نرخ وابستگی جمعیت سالمند چین نیز از روند فزاینده‌ای برخوردار خواهد بود. تداوم این مسئله می‌تواند موجب معضلات زیادی در زمینه‌های مختلف، به ویژه هزینه‌های خدمات درمانی و فشار بر صندوق بازنشستگی کشور شود. میانگین سنی جمعیت هندوستان در حال حاضر حدود ۲۷ سال است که بسیار کمتر از میانگین سنی جمعیت چین است. جمعیت جوان‌تر و نرخ وابستگی کمتر جمعیت سالمند هند نسبت به چین، در آینده می‌تواند اهرم مناسبی جهت برتری تولید و نیروی کار، به ویژه در عرصه اقتصادی برای هند محسوب شود (نمودار ۱).

۸. معضل شهرنشینی در چین

سرعت تغییر جامعه چین از یک جامعه روستایی بزرگ به یک جامعه شهری بزرگ (دوران گذر) از چنان شتابی برخوردار است که در حال تبدیل به یک معضل عظیم در مقیاس ملی است. با مهاجرت گسترده روستاییان به شهر، جامعه تولیدی دیروز (جامعه کشاورزی) در حال تبدیل به یک جامعه مصرف‌گراست. ضمن اینکه سرعت بالای شهرنشینی علاوه بر ایجاد مشکلاتی همچون تمرکز بیش از حد جمعیت کشور در چندین نقطه، مسایل و مشکلات اجتماعی - فرهنگی را نیز به همراه دارد.

مقایسه شیب مهاجرت در هر دو کشور نشان می‌دهد که شیب مهاجرت روستاییان هندی به شهرها، بسیار کمتر از چینی‌هاست. براساس آمار گروه بانک جهانی (۲۰۰۵ م.) در سال ۲۰۰۳ میلادی، ۷۲ درصد جمعیت هند در روستاها و ۲۸ درصد در شهرها ساکن بودند. در صورتی که در اوایل دهه ۹۰ میلادی، میزان جمعیت شهرنشین هر دو کشور تقریباً به یک اندازه بود (نمودار ۲). افزایش نرخ رشد جمعیت شهرنشین چین در سال‌های اخیر به حدی بوده که دولت در اوایل ۲۰۱۲ میلادی اعلام کرد آمار ساکنین شهرها برای اولین بار از ساکنین روستاها پیشی گرفته است.

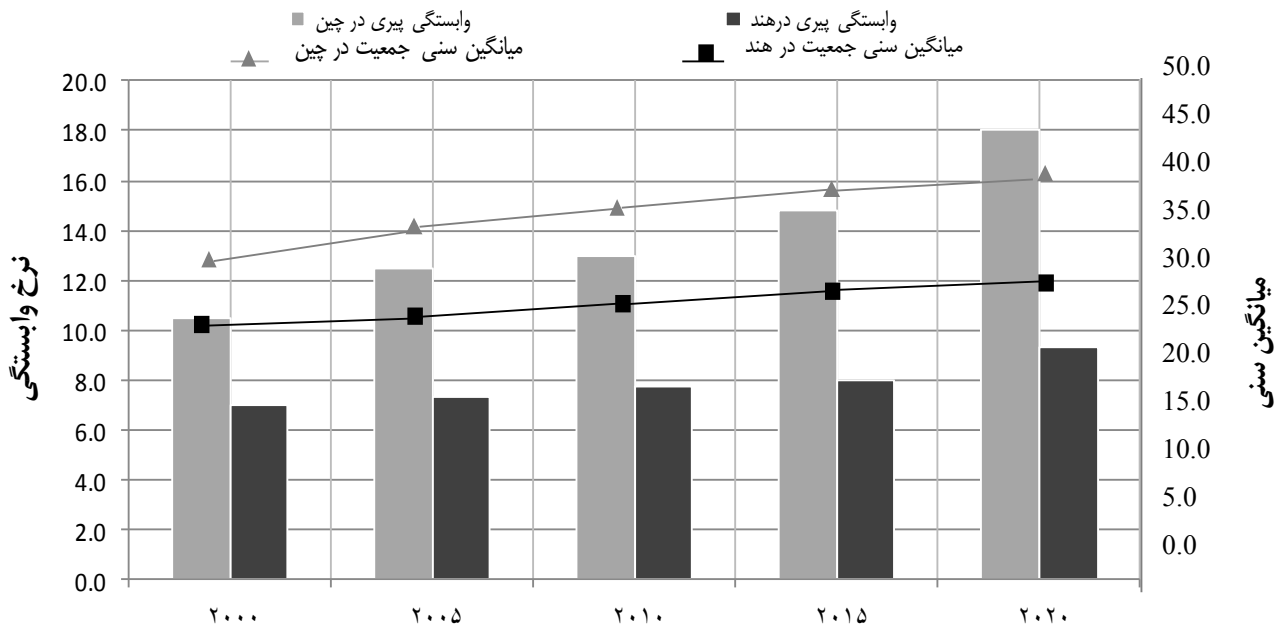
۹. شفافیت رویکردهای توسعه جامعه هندی در برابر

رویکردهای پنهان‌سازی توسعه جامعه چینی

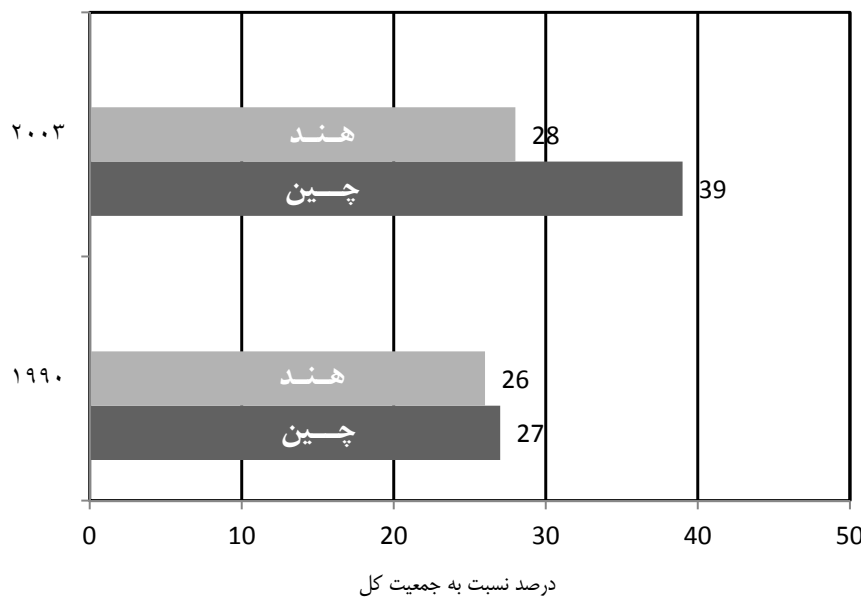
آنچه از منظر شهری امروز هند قابل برداشت بوده، تبلور واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه هندی است. تضاد، تنوع، فقر و عدم استفاده از تکنولوژی‌های روز و مشکلات و مسایل جامعه هندی آشکارا در منظر شهری انعکاس یافته است، به گونه‌ای

یا پنهان می‌شود و منظرهای منظم و زیبا جهت نمایش به افکار جهانی و منطقه‌ای تبلیغ می‌شوند (تصویر ۱). حرکت شهرهای بزرگ چین همانند شانگهای و پکن به سمت الگوی شهرهای غربی منجر به قطبی شدن اجتماعی و فضایی این شهرها شده است (Gua & Shen, 2003).

که تلاشی در راستای مخفی کردن واقعیات زندگی مردم در پس سیمای شهرها وجود ندارد. در مقابل، چین به دنبال پنهان‌سازی واقعیات زندگی روزمره جامعه چینی در پس ویترونی از کالبد شهری مدرن و منظم است که در ظاهر آن نتوان به مسایل و مشکلات عمق جامعه پی‌برد. در این رویکرد، منظر شهری نازیبا، حذف و



نمودار ۱. مقایسه میانگین سنی جمعیت و همچنین نرخ وابستگی پیری هند و چین میان سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۲۰ میلادی، مأخذ: دیدبان بین‌المللی اروپا بر مبنای آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ میلادی.



نمودار ۲. مقایسه جمعیت شهری هند و چین میان سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۳ میلادی، مأخذ: شاخص‌های توسعه بانک جهانی برای هند و چین، ۲۰۰۵ میلادی.



تصویر ۱. بالا: منظر شهری ناحیه بانگ در شهر بندری شانگهای چین. نمادهای اقتصادی و قدرت بر منظر شهری مسلط می‌شوند. علی‌رغم برخورداری از منظر لوکس و جذاب، واقعیت آن، نمایشی و عوام‌فریبانه است که در نمایشی روان و آرام از قدرت دولتی صحنه‌آرایی شده است. واقعیات زندگی بطن جامعه چینی هرگز نمایش داده نمی‌شود. عکس: گوران عرفانی، آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۸۹.

پایین: منظر شهری رختشوی‌خانه در شهر بندری بمبی هند. نمادهای فقر امروز جامعه هندی از منظر شهری حذف نمی‌شود و حتی به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی به جهان معرفی می‌شود. عکس: گوران عرفانی، آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۹۱.

نتیجه‌گیری

به دنبال توسعه‌گرایانه‌ی شتابان و تبلیغاتی بوده به گونه‌ای که بسیاری از واقعیات زندگی میلیون‌ها چینی در پس ویتیرینی از توسعه‌ی ظاهری و سطحی مخفی شده است. چنین رویکرد حذفی و نامتوازی در مسیر توسعه، در کنار ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و سیاسی چین معاصر، زمینه‌های لازم برای افول ابرقدرت اقتصادی دنیای امروز را در آینده‌ی نه‌چندان دور فراهم آورده است. پیش‌بینی و قرائت صحیح رویکردهای توسعه‌گرایانه این کشورها می‌تواند مبنای مناسبی برای سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی کشورمان قرار گیرد (جدول ۱).

رویکرد توسعه‌گرایانه‌ی جامعه‌ی هندی از سرعت پایین، همه‌جانبه و متوازن برخوردار است. در چنین رویکردی این جامعه به‌دنبال ارتقای سطح کیفیت زندگی بطن جامعه از منظر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است؛ ضمن اینکه سایر ابعاد توسعه‌ی پایدار، همچون توسعه‌ی سیاسی، محیط‌زیستی و حتی نظامی نیز نادیده گرفته نمی‌شوند. رویکردهای توسعه در هند به دنبال کاستن از قشر بسیار فقیر جامعه و تبدیل آن به قشری متوسط اما در مقیاس بالاست و این برخلاف رویکرد توسعه‌ی چینی بوده؛ رویکردی که

جدول ۱. جمع‌بندی تقابل رویکردها و زمینه‌های توسعه در دو کشور هند و چین، مأخذ: نگارنده.

دلیل ۹ گانه	رویکردها و زمینه‌های توسعه هندی	رویکردها و زمینه‌های توسعه چینی
۱	مدل توسعه هندی: مدلی متوازن، همه‌جانبه، مستمر، به دنبال بومی‌کردن تکنولوژی، عمقی اما زمان‌بر	مدل توسعه چینی: مدلی نامتوازن و تک‌بعدی (توسعه اقتصادی و نظامی با سرعت بالا)، کمی‌گر در عرصه تکنولوژی، سطحی اما با سرعت بالا
۲	رویکردی فرصت‌نگرانه به تضادهای فرهنگی - اقتصادی جامعه هندی دارد.	به تضادهای فرهنگی - اقتصادی رویکردی فرصت‌نگرانه ندارد. این مدل به دنبال یکسان‌سازی است.
۳	قانون‌محوری جامعه هندی؛ میزان تغییرات در ساختار کشور حداقلی است.	حزب‌محوری جامعه چینی؛ ساختار جامعه به‌ویژه در زمان بحران بسیار ناپایدار خواهد بود.
۴	ثبات نسبی سیاست‌های فرهنگی دوران معاصر هند	تضاد در سیاست‌های فرهنگی دوران معاصر چین (سیاست دوگانه)
۵	سیاست تنش‌زدایی با کشورهای خارجی، مسئله تنش خارجی تنها در مورد پاکستان صادق است.	دارای تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با آمریکا، ژاپن و کره جنوبی
۶	شدت و عمق کمتر ناپایداری‌های قومی - مذهبی هند در مقایسه با چین	ناپایداری‌های قومی - مذهبی در ایالت‌های چین (سین کیانگ، تبت، هنگ‌کنگ)
۷	برخورداری هند از میانگین سنی جمعیت به مراتب جوان‌تر	برخورداری از بالاترین میانگین سنی جمعیت در ۳۰ سال آینده
۸	شیب ملایم مهاجرت روستاییان هندی به شهرها	سرعت بالای مهاجرت روستاییان چینی به شهرها و شکل‌گیری معضل جامعه مصرف‌گرا
۹	شفاقیت رویکردهای توسعه جامعه هندی	پنهان‌سازی رویکردهای توسعه جامعه چینی

پی‌نوشت

* این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی «منظر شهری هند» و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۰ است که در پژوهشکده نظر انجام شد.
۱. به نظر می‌رسد همان سناریو که در دهه ۹۰ میلادی برای اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد و موجب از هم پاشیده شدن بزرگترین کشور کمونیستی جهان و در ادامه جبهه کمونیست شد، ممکن است در آینده نه چندان دور برای کشور به ظاهر در حال توسعه چین اتفاق بیفتد. یکی از دلایل اصلی که موجب عدم تجزیه و یا تأخیر در از هم پاشیده شدن جامعه چینی

نسبت به کشور اتحاد جماهیر شوروی شد مربوط به اصلاحاتی است که در سال ۱۹۷۹ میلادی توسط «دن شیائو پنگ» رئیس جمهور وقت چین آغاز شد.

۲. Intellectual Properties (IP).

۳. Chinese Communist Party (CCP).

۴. Martin king Whyte.

۵. پارلمان هند شامل دو مجلس مردم با ۵۴۵ عضو و پارلمان ایالتی با ۲۵۰ عضو است که معمولاً در اختیار چندین حزب قوی است.
۶. در ادبیات سیاسی معاصر چین، حد فاصل سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶ میلادی انقلاب فرهنگی نامیده می‌شود. انقلاب فرهنگی نتیجه دو سال و نیم بحث بین دو خط سیاسی درون حزب کمونیست بود. در حقیقت، انقلاب فرهنگی حرکتی برای یکپارچه‌سازی ایدئولوژیک جامعه بود. تنها طی این دوره ۱۰ ساله میان سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶ میلادی میلیون‌ها چینی بر اثر کشتار، گرسنگی، قحطی و نافرمانی کشته می‌شوند (مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران، ۱۳۸۰).

۷. Jonathan Fendy.

۸. ایالت تبت ناحیه‌ای مرتفع در جنوب غربی چین و سرزمین مقدس بوداییان در آسیای مرکزی است. در ۱۰۰ سال اخیر، مردم تبت علیه حکومت چین بارها قیام کرده‌اند که سرانجام آنها، سرکوب خشونت‌آمیز به دست ارتش سرخ چین بوده است.

۹. ایالت «سین کیانگ» منطقه‌ای کوهستانی - بیابانی است که در شمال غرب کشور چین و در همسایگی آسیای مرکزی قرار دارد. اکثریت مردم کل این ایالت ۲۰ میلیون نفری را مسلمانانی از قبایل «اویغور» تشکیل می‌دهند. ظرف ۱۲۰ سال گذشته، اویغورها ۱۳۰ بار قیام کرده که به وسیله چینی‌ها سرکوب شده‌اند. در این قیام‌ها هزاران مسلمان کشته شدند.

فهرست منابع

- سیف، احمد. (۱۳۸۴). الگوی چینی توسعه و نئولیبرال‌های وطنی، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ۲۰ (۵-۶): ۳۴-۵۳.
- جهانبگلو، رامین. (۱۳۸۹). روح هند، ترجمه: حسین فراستخواه و زهرا قیاسی، چاپ اول، تهران: نشرنی.
- جیروند، عبدالله. (۱۳۷۳). *توسعه اقتصادی «مجموعه عقاید»*، چاپ چهارم، تهران: مولوی و چاپخانه سهند.
- مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران. (۱۳۸۰). *اصلاحات در چین، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.*
- وردی‌نژاد، فریدون؛ علمایی‌فر، ابوالفضل و قاضی‌زاده، شهرام. (۱۳۹۰). *ازدهای شکیب: چین، دیروز، امروز و فردا*، تهران: اطلاعات.

• Astarita, C. (2007). *China and India: Rivals or Partners? An Analysis of the Background of the Interactions be-*

tween the Two Major Emerging Asian Powers, Transition Studies Review, 14(3): 545-561.

- Bahl, R. (2012). *Super Power? Amazing Race between China's Hare and India's Tortoise*. UK: Penguin
- Ball, S. et. al. (2007). *Contemporary hospitality and tourism management issues in China and India: today's dragons and tigers*, Boston: Butterworth-Heinemann
- Brown, K. (2010). 'China: between global responsibilities and internal transitions', *America and a Changed World*, 143 - 161.
- Buoye, T. (2003). *Study guide to China: adapting the past, confronting the future*. Michigan: University of Michigan Press, Center for Chinese Studies.
- Dickson, B.(2008). *Wealth and Power in Contemporary China: the Communist Party's Embrace of the Private Sector*. New York: Cambridge Univ Press.
- Euromonitor International. (2010). India's working-age population growing faster than China's. Available from: <http://blog.euromonitor.com/2010/11/indias-working-age-population-growing-faster-than-chinas.html> (Accessed 09 June 2015).
- Fenby, J. (2012). China's geoeconomic strategy: does China have a foreign policy? Domestic pressures and China's strategy. Available from: <http://eprints.lse.ac.uk/44201>. (Accessed in LSE Research Online: June 2012).
- Gill, M.S. (1998). India: Running the World's Biggest Elections, *Journal of Democracy*, 9(1): 164 - 168.
- Gua, C. & Shen, J. (2003). Transformation of urban socio-spatial structure in socialist market economies: the case of Beijing, *Habitat International*, 27(1): 107-122. Available from: [http://dx.doi.org/10.1016/S0197-3975\(02\)00038-3](http://dx.doi.org/10.1016/S0197-3975(02)00038-3)(Accessed 09 June 2015).
- Guha, R. (2007). *India after Gandhi: The history of the world's largest democracy*. New York: Harper Perennial.
- Hasmath, R. (2008). The big payoff? Educational and occupational attainments of ethnic minorities in Beijing, *The European Journal of Development Research*, 20(1): 104 - 116.
- Jiang, B. & Edmund, P. (2002). Distribution and logistics development in China: The revolution has begun, *International Journal of Physical Distribution & Logistics Management*, 32 (9): 783 – 798.
- Keupp, M.M. et al. (2009). How managers protect intellectual property rights in China using de facto strategies, *R&D Management*, 39(2): 211- 224.
- McLeod, D. (2008). *India and Pakistan: friends, rivals or enemies?* UK: Ashgate Publishing, Ltd.
- Mukherjee, M. (2010). Is There a Distinct Style of Asian Democracy? *Journal of Asian and African Studies*, 45(6): 684 - 694.
- Nelasco, S. (2012). Comparative trade interaction between India and China, *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 2(8): 14 - 23.
- Romer, P. (2010). Technologies, Rules, and Progress: The Case for Charter Cities, Working Papers, eSocialSciences. Available From: www.cgdev.org/content/publications/detail/1423916 (Accessed 09 June 2015).
- Shi, T. (2000). Cultural values and democracy in the People's Republic of China, *The China Quarterly*, 162: 540 - 559.
- World Bank Group (2005). World Development Indicators. Available at: <http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators> (Accessed 09 Jun 2015).